



اهداف یادگیری و انتظارات پس از مطالعه:

- ۱- آشنایی با مفاهیم آزادی و آزادگی (علم)
- ۲- آشنایی با جامی و آثار او (علم)
- ۳- تقویت مهارت خوانش مناسب متن درس با لحن های مناسب (عمل)
- ۴- تقویت علاقه نسبت به ارزش های اخلاقی در زندگی (اخلاق)
- ۵- کاربست پیام های اخلاقی متن درس در مهارت گفتار و رفتار فراگیران (عمل)
- ۶- آشنایی با واژگان و ترکیب های جدید زبان فارسی در متن درس (علم)
- ۷- آشنایی با قالب شعری مثنوی و ویژگی های آن (علم)
- ۸- تقویت کاربست واژگان جدید متن درس در مهارت املا و نگارش (عمل)
- ۹- تقویت درک مفاهیم و آموزه های متن (تفکر)

لحن داستانی

شعر این درس، به شیوهٔ داستانی خوانده می شود. خواندن این گونه متن ها معمولاً با آهنگ نرم و کشش آوایی همراه است.

بنابراین لحن خوانندهٔ آن باید به گونه ای باشد که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامهٔ آن برانگیزاند و شوقی همراه با انتظار در ذهن و روح پدید آورد.

خارکش پیری با دلّ درشت پشتهای خار همی برد به پشت

معنی بیت: پیر مرد خارکشی با لباس درشتی که به تن کرده بود، کوله باری از خار را به پشت خود حمل می کرد.

نکات ادبی: پشت و پشته: جناس ناقص اختلافی / خارکش و خار: مراعات نظیر / خارکش پیری: ترکیب وصفی مغلوب ← پیرمرد خارکش / پیرمرد خارکشنده: صفت فاعلی مرکب / خارکش: مرکب / پشته: غیر ساده / همی برد: ماضی استمراری (می بُرد)

لنگ لنگان قدمی برمی داشت هر قدم دانه شکری می کاشت

معنی بیت: لنگ لنگان قدم بر می داشت و در هر قدمی که بر می داشت خدا را شکر می کرد.

نکات ادبی: دانه ی شکر: اضافه تشبیهی / لنگ لنگان: قید / قدم: مفعول / دانه: مفعول

کای فرازندهٔ این چرخ بلند و ای نوازندهٔ دل های نژند

معنی بیت: که ای خدایی که این آسمان بلند را برافراشته ای و ای خدایی که دل های شکسته و اندوهگین را نوازش می کنی.

نکات ادبی: چرخ بلند: استعاره از آسمان / تکرار حرف (ن): نغمه حروف

کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزی که نکردی با من

معنی بیت: از بالا تا پایین وجود خود را که نگاه می کنم، می بینم که چه لطف های بی شماری در حق من کرده ای.

نکات ادبی: کنم از جیب نظر تا دامن: کنایه از تمام وجود/ جیب تا دامن: مجاز از تمام وجود

در دولت به رخم بگشادی تاج عزت به سرم بنهادی

معنی بیت: مرا خوشبخت و سعادتمند کرده ای و عزیز و سربلندم گردانده ای.

نکات ادبی: در دولت: اضافه استعاری (دولت مانند خانه ای است که در دارد)/ در دولت به رخم بگشادی: کنایه از سعادت و خوشبختی/ تاج عزت: اضافه تشبیهی/ تاج عزت به سرم بنهادی: کنایه از قدرت

حد من نیست ثبات کفتم گوهر شکر عطایت سفتن

معنی بیت: من در حد و اندازه ای نیستم که توانایی ستایش تو را داشته باشم و شکر نعمت های تو را بجا بیاورم.

نکات ادبی: گوهر شکر: اضافه تشبیهی/ گوهر شکر عطایت سفتن: کنایه از ناتوانی از شکر خدا/ گوهر سفتن: کنایه از به نظم کشیدن سخن (همان طور که سوراخ کردن مروارید سخت است، شکرگزاری نعمت های خداوند هم سخت است).

نوجوانی به جوانی مغرور رخس پندار همی راند ز دور

معنی بیت: نوجوانی که فریب نیروی جوانی خود را خورده بود، با تکبر و خودبینی، (در حالی که سوار بر اسب خیال و وهم و گمان بود) شتابان به سوی پیرمرد رو کرد.

نکات ادبی: رخس پندار: اضافه تشبیهی / رخس پندار راندن: کنایه از مغرور بودن / پندار: بن مضارع از مصدر (پنداشتن) / همی راند: ماضی استمراری در متون کهن (می راند)

آمد آن شکرگزایش به کوش
گفت کای پیر خرف گشته، خموش

معنی بیت: جوان مغرور صدای شکرگزاری پیرمرد را شنید و گفت: «ای پیر مرد کم عقل و نادان ساکت شو.»

نکات ادبی: پیر خرفت گشته: ترکیب وصفی ← (پیر: موصوف، خرفت گشته: صفت) / آمد آن شکرگزایش به گوش: جا به جایی ضمیر

خار بر پشت، زنی زین سان گام
دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟

معنی بیت: چگونه خود را نیک بخت و سرافراز می دانی، در حالی که این طور خار به پشت داری و به سختی را می روی.

عزت از خواری شتاختای
عمر در خار کشی باختای

معنی بیت: تو فرق عزت و سربلندی را با خواری و ذلت نمی شناسی؛ زیرا تمام عمرت را به خارکشی گذرانده ای.

نکات ادبی: عزت و خواری: متضاد

پیر گفتا که چه عزت زین به؟
که نیام بر در تو بالین نه

معنی بیت: پیرمرد گفت: «چه سرفرازی بهتر از اینکه نیازمند و محتاج تو نیستم.»

نکات ادبی: بالین نه: کنایه از محتاج و نیازمند بودن/ پیر گفتا که چه عزت زین به (است)؟: فعل حذف شده است

کای فلان چاشت بده یا شامم نان و آبی که خورم و آشامم

معنی بیت: که بگویم: «آهای فلانی ناهار و شام به من بده؛ نان و آبی بده که بخورم و بنوشم.»

نکات ادبی: چاشت، شام، نان، آب: مراعات نظیر/ شامم و آشامم: جناس ناقص افزایشی/ فلان: ضمیر مبهم/
چاشت، شام، نان، آب: مفعول/ چاشت بده یا شامم: متمم (شام را به من)

شکر کویم که مرا خوار ناخت به خسی چون تو گرفتار ناخت

معنی بیت: خدا را شکر می کنم که مرا خوار و ذلیل نکرد و نیازمند و گرفتار آدم بی مقداری چون تو نساخت.

نکات ادبی: خسی چون تو: تشبیه

داد با این همه افتادگی ام عز آزادی و آزادگی ام

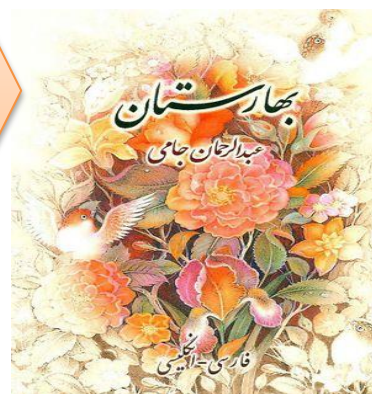
معنی بیت: با این که بی ارزشم و جاه و مقامی ندارم، خداوند، عزت عزت و سربلندی آزادی و آزادگی را به من اعطا کرده است.

اعلام

نورالدین عبدالرحمن
جامی شاعر و نویسنده
معروف ایرانی در قرن
نهم هجری است.



دیوان اشعار، هفت اورنگ
(شامل هفت مثنوی به تقلید از
خمسه نظامی)، نفحات الانس و
بهارستان از آثار اوست.



وی به مناسبت محل تولد
خویش «جام» و نیز به سبب
دوستداری شیخ الاسلام احمد
جام، جامی تخلص کرد.





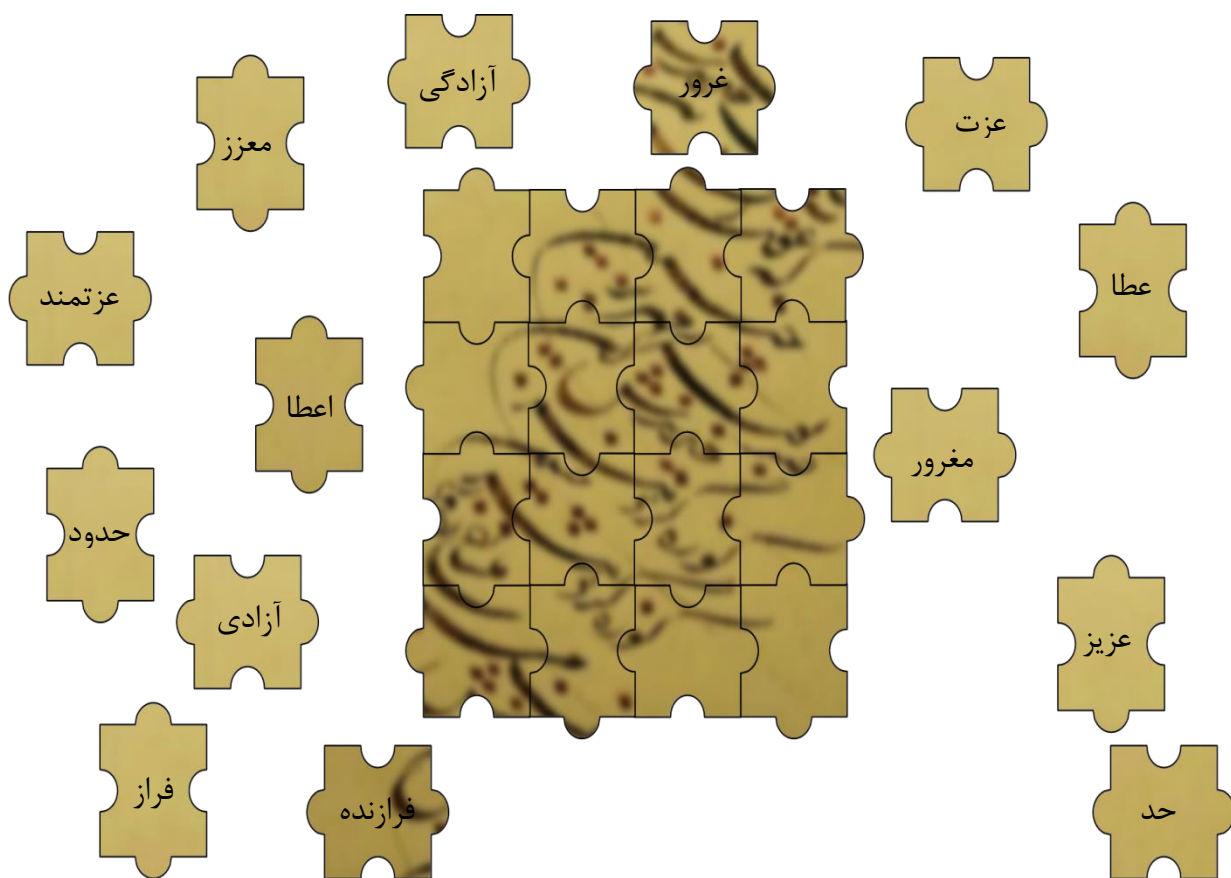
آزادگی	جوانمردی، آزاد بودن، بزرگ منشی
خارکش	کسی که خار را حمل می کند
دلق	نوعی پارچه که درویشان می پوشند
درشت	ضخیم
پشته	توده، انبوه
لنگ لنگان	در حال لنگیدن، آهسته آهسته
فرازنده	افرازنده، بر پاکننده، بلند کننده
چرخ	در اینجا به معنی آسمان
نوازنده	آن که نوازش و مهربانی می کند
نژند	اندوهگین، غمناک، سرد و بی روح
جیب	گریبان، یقه
نظر	نگاه کردن
عزیزی	مورد محبت و احترام قرار گرفتن
دولت	نیک بختی، سعادت، اقبال
عزت	ارجمندی، سرافرازی
حد	اندازه
ثنا	ستایش، شکر
گوهر	مروارید
عطا	بخشش
سفتن	سوراخ کردن
گوهر سفتن	مروارید سوراخ کردن و به رشته کشیدن



در اینجا به معنی اسب	رخش
در اینجا به معنی تکبر، خودبینی	پندار
آدم کم عقل و پیر	خرف
پستی	خواری
بہتر	به
درگاه	در
بالین نهنده	بالین نه
ضمیر مبہم برای اشارہ بہ شخص ناشناس	فلان
صبحانہ	چاشت
خاشاک، در اینجا شخص بی ارزش	خس
ناتوانی و بیچارگی	افتادگی
ارجمندی، عزت	عز

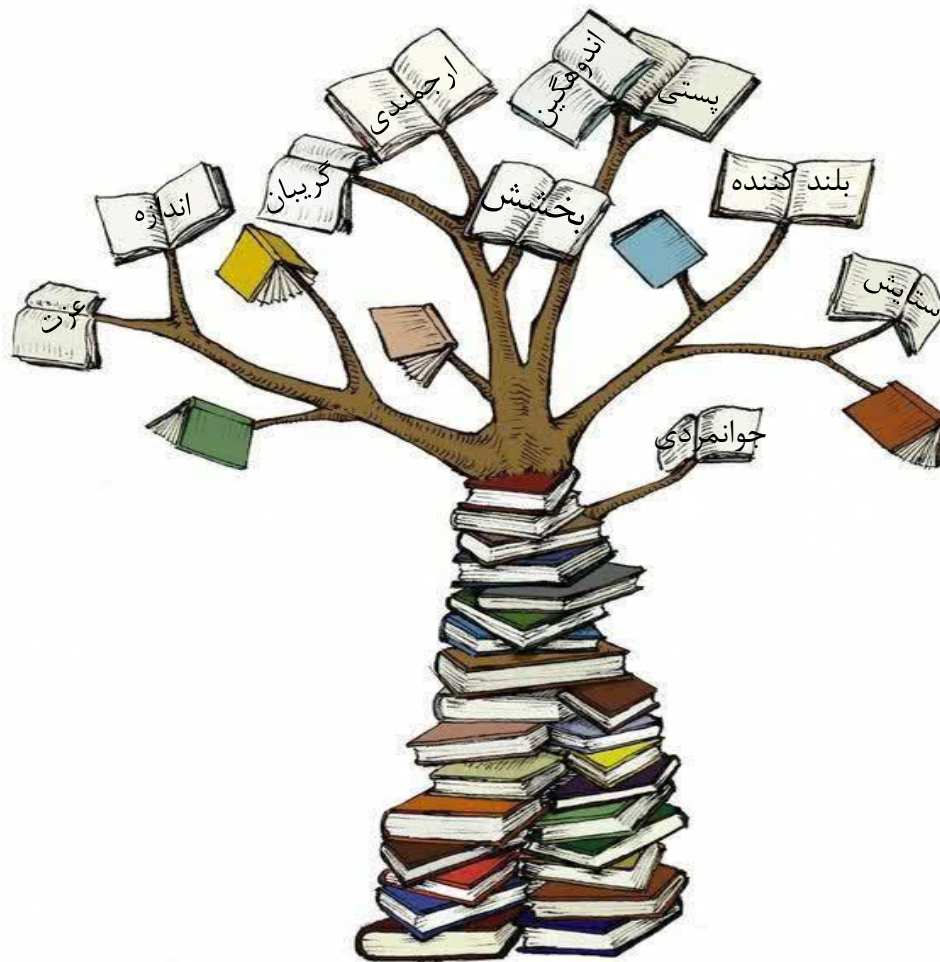
هم خانواده ها

هم خانواده ها و خوشه واژه های مرتبط با هم را پیدا کنید و بنویسید.





مترادف کلمات داده شده را از درس بیابید و در قالب جمله ای از متن درس بنویسید.



برخی کلمات به دو شکل به کار می روند؛ نظیر «خرف، خرفت» یا «خورش، خورشت». هنگام نوشتن املا، لازم است به نحوه تلفظ گوینده این گونه کلمات توجه کافی داشته باشیم.



خود ارزیابی

۱- از نظر پیر خارکش، عزت و آزادگی چیست؟

قانع بودن، محتاج دیگران نبودن، خوار نشدن در مقابل دیگران

۲- با توجه به شعر، شخصیت پیر و جوان را با هم مقایسه کنید.

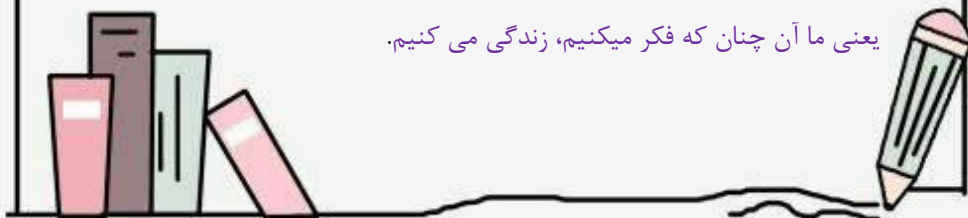
جوان: مغرور و پر ادعا، زیاده خواه، ارزش و سعادت را در ثروت و قدرت می دید.

پیر: فروتن و بی ادعا، قانع، ارزش ها را در قانع بودن و بی نیازی نسبت به دیگران می دید.

۳- چگونه می توان به عزت و آزادگی رسید؟

باید ابتدا طرز فکر خود را تغییر داد. چرا که زندگی انسان در گرو فکر آن هاست؛

یعنی ما آن چنان که فکر میکنیم، زندگی می کنیم.





« مثنوی »

اکنون با یکی از قالب های شعر فارسی آشنا می شویم. به قافیه های شعر این درس توجه کنید. با اندکی دقت متوجه می شویم که قافیه های هر بیت با بیت دیگر متفاوت است؛ شکل قافیه در این نوع شعر بدین صورت است.

■	■
●	●
▲	▲
□	□

به این قالب شعری، «مثنوی» یا «دو تایی» می گویند، چون در هر بیت، هر دو مصراع، هم قافیه هستند. مثنوی، معمولاً بلند و طولانی است و بیشتر برای بیان داستان ها از آن بهره می گیرند.

از مهم ترین مثنوی های فارسی، می توان «شاهنامه فردوسی»، «بوستان سعدی»، «مثنوی مولوی» و «لیلی و مجنون نظامی» را نام برد.

گفت و گو کنید

۱- چه پیوندی میان محتوای درس آداب نیکان، با شعر این درس، می توان یافت؟

در این باره گفت و گو کنید.

درس آداب نیکان درباره آداب زندگی کردن است، اما شعر نوع و نحوه زندگی کردن را برای ما یادآور می شود. هر دو درس ما را ترغیب می کند که روی پای خود بایستیم و محتاج دیگران نباشیم و حریمی داشته باشید که نه از آن خارج شویم و نه اجازه دهیم دیگران وارد آن شوند، هر دو درس ما را به دانش آزادی و آزادی و عزت نفس دعوت می کند.

۲- درباره راه های حفظ «عزت و آزادی» کشور عزیزمان، ایران، گفت و گو کنید.

عزت و آزادی کشور عزیزمان در عدم وابستگی به بیگانگان است. اگر ما بتوانیم در هر کاری حداقل کارهای مهم روی پای خودمان بایستیم و داشته های خودمان فکر کنیم و به آنها بها دهیم. به جوان ها و متخصصین

فرصت انجام کارهای ما هم را بدهیم و از کالاهای ساخت داخل

استفاده کنیم و نظم و قانون را در کارها رعایت کنیم مطمئناً عزت و

آزادی را به کشورمان هدیه داده ایم.





نوشتن

- ۱- کلمه های تازه شعر را انتخاب کنید و معنی آنها را بنویسید.
دلق: نوعی پارچه پشمی که درویشان می پوشند/ جیب: گریبان/ سفتن: سوراخ کردن/ خرف: آدم کم عقل و پیر/ بالین نه: بالین نهاده/ خس: خاشاک/ ...
- ۲- تفاوت معنایی واژه مشخص شده را در گذشته و امروز بنویسید.
«خار بر پشت، زنی زین سان گام دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟»
گذشته: سعادت، خوشبختی/ امروزه: قوه مجریه
- ۳- در سه بیت پایانی شعر، «قافیه» ها را مشخص کنید.
شامم، آشامم/ خوار، گرفتار/ افتادگی، آزادگی
- ۴- با توجه به درس، دلیل آزادگی پیرمرد را بنویسید.
قناعت/ فروتنی/ بی ادعا بودن/ تلاش برای کسب روزی/ از دیگران کمک نخواستن
- 



روان خوانی «آقا مهدی»

باران بند آمده بود اما هنوز از ساقهٔ علف‌ها آب می‌چکید و دشت پر از گودال‌های آب شده بود. عکسِ آسمان بر سطح لرزان گودال‌های آب، تماشایی بود. انگار صدها آئینهٔ شکسته را کنار هم چیده بودند. ابرهایی که هر لحظه به شکلی درمی‌آمدند، در مقابل آن آئینه‌ها خودشان را برای سال نو آماده می‌کردند. خورشید از پشت کوه‌ها سرک می‌کشید و سلاح‌ها و کلاه‌های آهنی را برق می‌انداخت. دهانهٔ توپ‌ها و خمپاره‌اندازها را با کیسه‌های نایلونی پوشانده بودند تا آب به داخلشان نرود. در پشت خاکریز، جعبه‌های خالی مهمات و پوکه‌های مسی بَرّاق همه‌جا پراکنده بودند. چندان از سنگرها را آب گرفته بود و عده‌ای با لباس‌های خیس و گل‌آلود مشغول خالی کردن آنها بودند. صدای خنده‌شان با صدای شِلپ شِلپ آب آمیخته بود. از سنگر بغل‌دستی صدایی می‌گفت: «آب را گل نکنیم!»
دیگری جواب می‌داد: «تو ماهی‌ات را بگیر...!»

نکات ادبی: دشت‌های پر از گودال‌های آب شده بود: تشبیه مرکب/ انگار صدها آئینه شکسته را کنار هم چیده بودند: تشبیه مرکب/ ابرهایی که هر لحظه به شکلی در می‌آمدند، در مقابل آئینه خودشان را برای سال نو آماده می‌کردند: تشخیص/ خورشید از پشت کوه‌ها سرک می‌کشید و سلاح‌ها و کلاه‌های آهنی را برق می‌انداخت: تشخیص

خنده‌ها از ته دل بود. انگار نه انگار که در جبههٔ جنگ بودند. بیشتر چادرها را روی سنگرها زده بودند و سفره‌های هفت‌سینِ عید پهن بود؛ سفره‌هایی که در آنها، جای سماق و سمنو را سرنیزه و سیمینوف (نوعی مسلسل) و حتی سنگ پر کرده بود.
گاهی گردباد کوچکی لنگ‌لنگان از راه می‌رسید و چادرهای باران خورده را مشت و مال می‌داد. عده‌ای قرآن می‌خواندند و بعضی تندتند به ساعتشان نگاه می‌کردند و رادیوهای جیبی را به گوششان چسبانده بودند. ناگهان، صدای شلیک چند تیرهوایی بلند شد و زمزمهٔ «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ» در سنگرها پیچید. عید آمده بود. به همین سادگی...!

نکات ادبی: گاهی گردباد کوچکی لنگ لنگان از راه می‌رسید و چادرهای باران خورده را مشت و مال می‌داد:

تشخیص

به هر طرف که نگاه می‌کردی، عده‌ای همدیگر را در آغوش می‌کشیدند و صدای بوسه‌هایشان بلند بود. وقتی عید همه مبارک شد، نوبت به سفره‌ها رسید. «سین»‌های سفره هفت‌سین، یکی‌یکی غییشان زد. سیب‌ها به سرعت خورده شدند. سرنیزه‌ها به غلاف خود برگشتند. سیمینوف به سنگر تیربار رفت و طولی نکشید که... عید شروع نشده، تمام شد. کم‌کم ابرها هم پراکنده و خورشید، آشکار شد.

فرماندهان گروهان‌ها و گردان‌ها جمع شدند تا با هم به دیدن آقا مهدی، فرمانده لشکر بروند و سال نو را به او تبریک بگویند. همه جا آب راه افتاده بود و پوتین‌ها تا نصفه در گل چسبیده فرو می‌رفتند. روی سنگر فرمانده لشکر چادر بزرگی زده بودند. جلوی سنگر که رسیدند، چند جوان بسیجی عید را به آنها تبریک گفتند. آنها با عجله دور تا دور چادر را نخ می‌کشیدند. فرماندهان به همدیگر نگاه کردند و چند نفر از تعجب شانه‌هایشان را بالا انداختند. یکی از آنها که قدی کوتاه و ریشی بلند داشت، رو کرد به یکی از جوان‌های بسیجی و با لهجه ترکی پرسید: «اینها چیست؟» بسیجی با لبخند جواب داد: «آقا مهدی خودش گفته است!».

مرد قد کوتاه همین‌طور که گل پوتین‌ها را روی زمین می‌مالید، زیر لب گفت: «آخر برای چی؟» و بعد بدون اینکه منتظر جواب کسی شود، «یا الله» بلندی گفت و از در کوتاه سنگر داخل شد. پشت سر او، بقیه هم یکی‌یکی سرها را خم و بند پوتین‌ها را شل کردند. از سفره هفت «سین» و هفت «شین» (انواع شیرینی) خبری نبود. در عوض، سفره‌ای پر از نامه در وسط سنگر پهن شده بود. آقا مهدی و دو نفر بسیجی دیگر که تندتند نامه‌ها را باز می‌کردند، بلند شدند و مهمانان را در آغوش گرفتند و عید را تبریک گفتند. آقا مهدی وقتی تعجب آنها را دید، با لبخندی که همیشه بر لب داشت، گفت: «اینها عیدی ماست، بچه‌های دانش‌آموز فرستاده‌اند!».

همه یک صدا پرسیدند: «از کجا؟»
 آقا مهدی دو دستش را در میان نامه‌ها برد و درحالی که آنها را بو می‌کرد، جواب داد: «از همه جای همه جا! همه جای ایران سرای من است.»
 بعد یکی از نقاشی‌ها را که با سنجاق به دیوار چادر زده بود، نشان داد و گفت:
 «ببینید چه بلایی سر دشمن آورده است!»
 هواپیمایی شبیه یک هندوانه بزرگ با دو بال کوتاه درحالی که هنوز

نکات ادبی: از همه جای همه جا! همه جای ایران سرای من است: واژه آرای/ هواپیمایی شبیه هندوانه بزرگ: تشبیه

چرخ‌هایش را جمع نکرده بود، تعدادی بمب را مثل یک شانه تخم‌مرغ روی تانک‌های دشمن خالی کرده بود. معلوم نبود هر تانک چند لوله دارد! سربازان دشمن مثل مهره‌های شطرنج، لابه‌لای تانک‌ها ریخته بودند و مداد رنگی سرخ، حسابی خنشان را ریخته بود. سمت راست نقاشی، پسرکی بسیجی پرچم سبز رنگی در یک دست و اسلحه‌ای در دست دیگر داشت. بلندی پرچم از هواپیما بالاتر زده بود و اطراف میله آن پر از گل و سبزه بود.
 یکی از فرماندهان با خنده گفت: «جنگ یعنی این!»

نکات ادبی: تعدادی بمب را مثل یک شانه تخم‌مرغ: تشبیه/ سربازان دشمن مثل مهره‌های شطرنج: تشبیه

آقا مهدی گفت: «داریم خوب‌هایش را جدا می‌کنیم تا نمایشگاهی از آثار دانش‌آموزان درست کنیم. برای همین رویشان را با نایلون جلد می‌کنیم تا باران خرابشان نکند. به برادرهای تبلیغات گفته‌ام، نقاشی‌ها را دور تا دور چادرها آویزان کنند.»
 چند ساعت بعد، نقاشی‌های بچه‌ها دور تا دور چادر فرماندهی و گوشه و کنار سنگرها، آویخته شده بودند. آن روز تا غروب، آقا مهدی اطراف چادرها قدم می‌زد و گاهی چندین دقیقه در مقابل آن نامه‌های رنگارنگ می‌ایستاد و به آنها خیره می‌شد. او نامه‌های بچه‌های مدارس را می‌بوسید و می‌گفت: «آنها هم در جبهه هستند؛ چون با این نامه‌ها به ما روحیه می‌دهند. این نقاشی‌ها و نوشته‌ها نشان می‌دهند که بچه‌ها هم به فکر ما هستند و برای پیروزی ما دعا می‌کنند. بچه‌ها دلشان پاک است. دعای آنها پشتیبان ماست.»

اعلام

در دوران دفاع
مقدس فرمانده
لشکر عاشورا بود.

او و دوستانش نقش مهمی
در برپایی تظاهرات شهر
تبریز در سال ۱۳۵۴ و
۱۳۵۵ داشتند.

او در سال ۱۳۳۳
شمسی در میاندوآب
به دنیا آمد.



همان زمان ساواک او
را شناسایی کرد و
تحت نظر گرفت.

دلاوری ها و شجاعت
او زبانزد خاص و عام
بود.

وی در ۲۵ اسفند سال
۱۳۶۳ در عملیات بدر
شهید شد.

برادرش حمید باکری در
س ۱۳۶۲ در عملیات ال
خیبر به شهادت رسیده
بود.

کتابی است نوشته حبیب
یوسف زاده که به سرگذشت
شهید مهدی باکری پرداخته
است.



شهید باکری از
سرداران دلاور جنگ
تحمیلی است.

وی در میاندوآب متولد
شد و در جنگ بدر به
شهادت رسید.

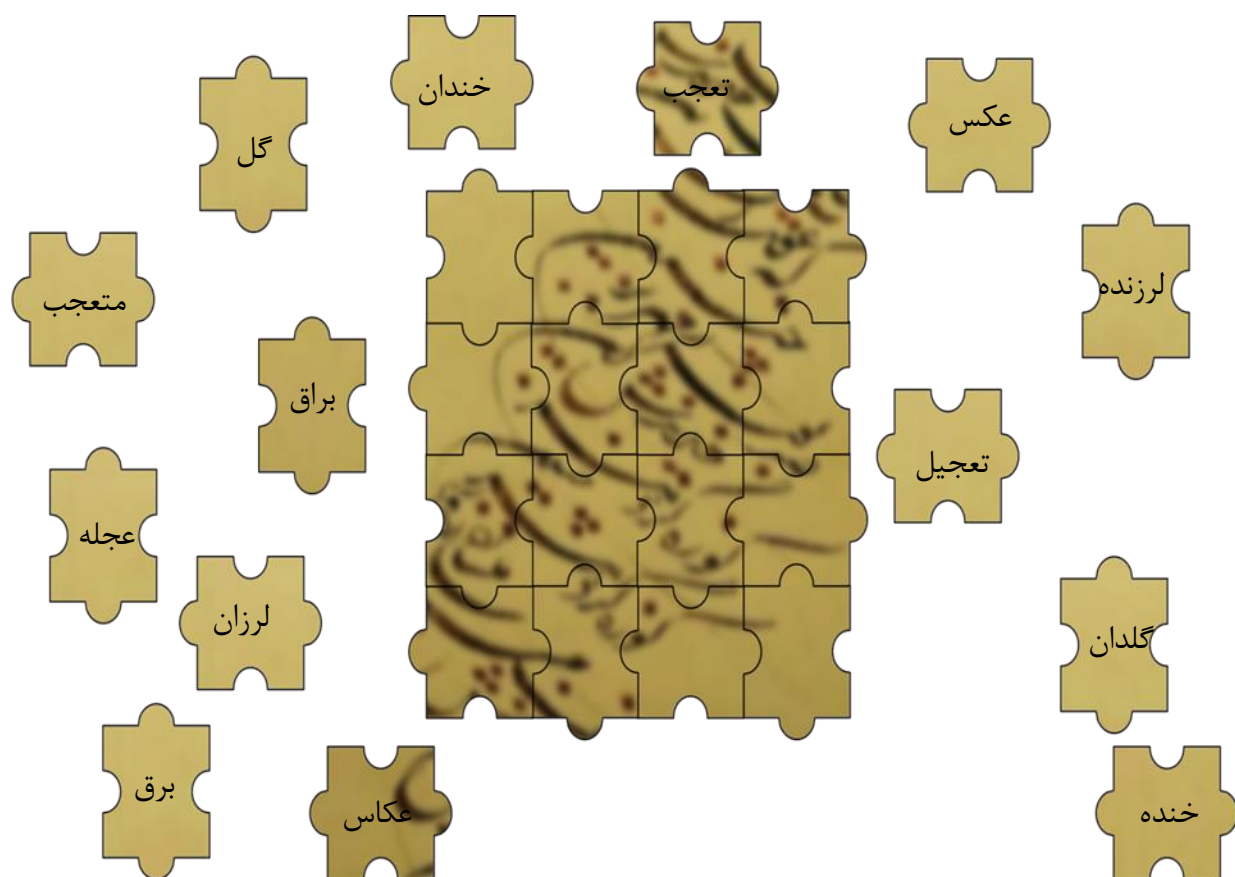


نوعی سلاح جنگی شبیه توپ	خمپاره انداز
مجموعه وسایل جنگی از انواع اسلحه و ابزار جنگ	مهمات
غلاف فشنگ بی سرب و باروت	پوکه
هنگامی گفته می شود که کسی نسبت به امری بی اعتنا و بی توجه باشد	انگار نه انگار
پوشش یا جلد شمشیر و سر نیزه	غلاف
واحد نظامی	گروهان
واحد نظامی که شامل سه گروهان است	گردان



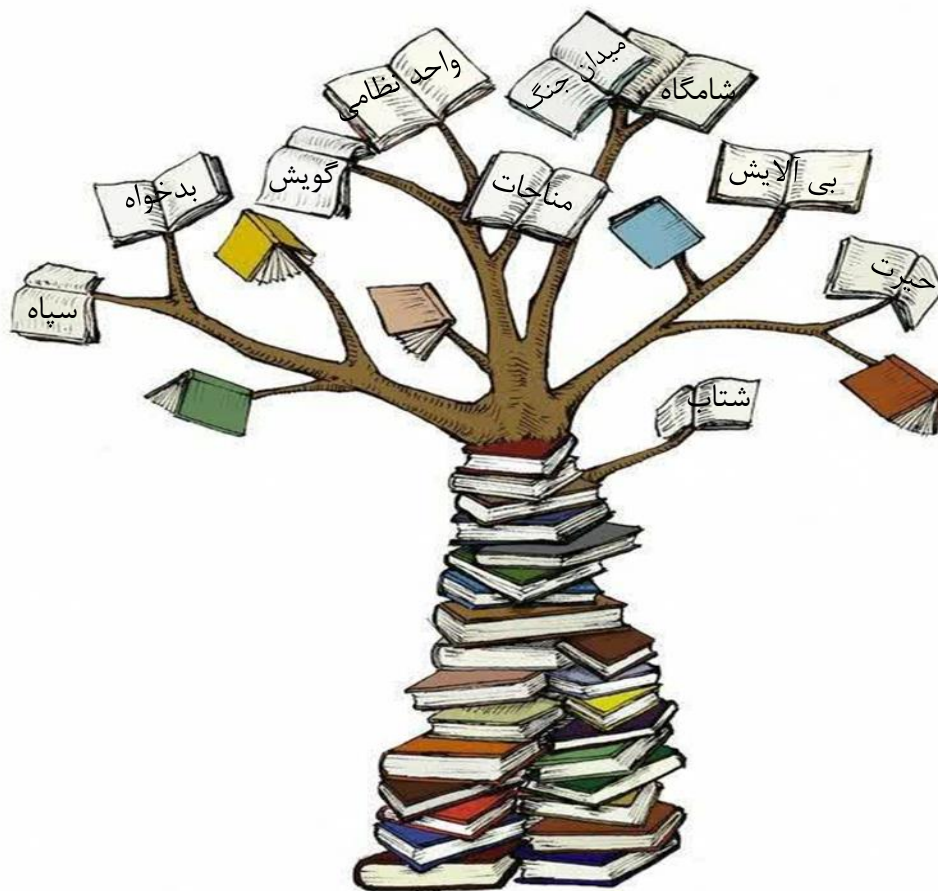
هم خانواده ها

هم خانواده ها و خوشه واژه های مرتبط با همم را پیدا کنید و بنویسید.





مترادف کلمه های داده شده را از درس بیابید و در قالب جمله ای از متن درس بنویسید.





فرستی برای اندیشیدن

۱- در دوران دفاع مقدس، دانش آموزان چگونه نقش خود را در جنگ ایفا می کردند؟

بعضی از دانش آموزان به جبهه می رفتند/ بعضی ها در پشت جبهه کمک می کردند/ بعضی ها هم که کوچک تر بودند با نوشتن نامه و کشیدن نقاشی و یا کارهای دستی دیگر به رزمندگان روحیه می دادند.

۲- به نظر شما یک فرمانده موفق، چه ویژگی هایی دارد؟

فرمانده موفق فرماندهی است که همه را ببیند/ فروتن باشد و در عین حال زرنگ و با تدبیر و با سیاست باشد/ دشمن را دست کم نگیرند/ با نیروهای خودی مهربان و خوش برخورد و با دشمنان خشمگین و سخت گیر باشد.



نمونه سوال درس هشتم و روانخوانی

سوالات تستی

۱- در کدام گزینه مفعول به درستی مشخص نشده است؟

(۱) لنگ لنگان قدمی بر می داشت هر قدم دانه ای شگری می کاشت

(۲) در دولت به رخم بگشادی تاج عزت به سرم بنهادی

(۳) نوجوانی به جوانی مغرور رخش پندار همی راند ز دور

(۴) خار بر پشت زنی زین سام گام دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟

۲- نقش ضمیر متصل در کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟

(۱) داد با این همه افتادگی ام (۲) کای فلان چاشت بده یا شامم

(۳) دولتت چیست؟ عزیزت کدام؟ (۴) تاج عزت به سرم بنهادی

۳- «رخش پندار» همانند کدام گزینه نیست؟

(۱) دانه شکر (۲) در دولت (۳) پشته ای خار (۴) گوهر شکر

۴- در بیت «عمر در خارکشی باخته‌ای عزّت از خواری نشناخته‌ای» کلمات مشخص شده به ترتیب چه نقش دستوری دارند؟

(۱) نهاد - نهاد (۲) مفعول - نهاد (۳) مفعول - مفعول (۴) قید - مفعول

۵- کدام گزینه از مثنوی‌های برجسته ادبیات فارسی نیست؟

(۱) شاهنامه فردوسی (۲) بوستان سعدی (۳) لیلی و مجنون نظامی (۴) دیوان حافظ



سوالات کوتاه پاسخ

۶- آثار زیر از کیست؟

نفحات الانس: بهارستان:

۷- معنی کلمات زیر را بنویسید.

چاشت: خرف: دل: پندار:

۸- یک آرایه برای بیت زیر بنویسید و آن را مشخص کنید.

« کای فرازنده این چرخ بلند و ای نوازنده دل های نژند »

۹- آثار جامی را نام ببرید.

۱۰- مهم ترین مثنوی های فارسی را نام ببرید.



سوالات درست نادرست

۱۱- قالب شعر آزادی، مثنوی است.

☐ درست ☐ نادرست

۱۲- شهید مهدی باکری در عملیات خیبر به شهادت رسید.

☐ درست ☐ نادرست

۱۳- کلمات (جیب و لباس) مترادف هستند.

☐ درست ☐ نادرست

۱۴- دولت به معنای سرزمین است.

☐ درست ☐ نادرست

۱۵- بهارستان یکی از آثار جامی است.

☐ درست ☐ نادرست



سوالات جاخالی

۱۶- کتاب سرگذشت شهید مهدی باکری نوشته است.

۱۷- جامی به سبب دوستداری و جامی تخلص کرد.

۱۸- کتاب هفت اورنگ شامل و به تقلید از است.

۱۹- شعر آزادی به شیوه خوانده می شود.

۲۰- هنگام نوشتن کلماتی که به دو شکل به کار می روند باید به نحوه این گونه کلمات توجه کافی داشته باشیم.



شماره سوال	۱	۲	۳	۴
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				



۶- جامی / جامی

۷- صبحانه / آدم کم عقل و پیر / نوعی پارچه که درویشان می پوشند / خودبینی

۸- چاشت، شام، نان، آب: مراعات نظیر / شام و آشام: جناس ناقص افزایشی / فلان: ضمیر مبهم / چاشت، شام، نان، آب: مفعول / چاشت بده یا شام: متمم (شام را به من)

۹- دیوان اشعار، هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید از خمسه نظامی)، نفحات الانس و بهارستان

۱۰- شاهنامه فردوسی / بوستان سعدی / مثنوی مولوی / لیلی و مجنون نظامی



۱۲- نادرست (عملیات بدر)

۱۱- درست

۱۴- درست

۱۳- نادرست

۱۵- درست



۱۶- حبیب یوسف زاده

۱۷- شیخ الاسلام احمد جام / محل تولد خویش (جام)

۱۸- هفت مثنوی / خمسه نظامی

۱۹- داستانی

۲۰- تلفظ گوینده

کاری از شهین دخت مخمل باف

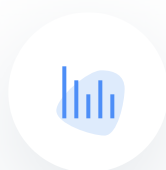
سرگروه ادبیات شهرستان بیرجند، خراسان جنوبی





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد